

## نقش اقتصاد غیر زراعی بر ماندگارسازی روستائیان در مناطق روستایی شهرستان

### سمیرم

سید امیرمحمد علوی زاده<sup>۱</sup>: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

محمودرضا میر لطفی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

### چکیده

ماندگاری روستائیان در روستاها به طور بلافصلی با موضوع مهاجرت روستا- شهری پیوند دارد. بنابراین انتظار می‌رود بخش عمده‌ای از دلایل دامن زنده به این گونه از مهاجرت‌ها موجبات عدم ماندگاری روستائیان در روستاها را به دنبال داشته باشد. یکی از دلایل این پدیده، مشکلات اقتصادی حاکم بر فضاهای روستایی است. مسائلی چون بیکاری آشکار و پنهان، کمبود و بی‌ثباتی درآمد، فقر روستایی و غیره که عمدتاً در ساختارهایی بروز می‌یابند که در آنها کشاورزی معیشتی و بویژه فعالیت در بخش‌های زراعی سهم بالایی از اشتغال و درآمد را در فقدان منابع درآمدی دیگر، بخود اختصاص می‌دهد. جهت کاهش اثرات سوء این مسایل و ارتقاء سطح زندگی روستائیان که خود نهایتاً کاهش در مهاجرت دائم از روستاها را نتیجه می‌دهد، استراتژی‌های گوناگونی مطرح و مورد توجه قرار گرفته است. اقتصاد غیر زراعی یکی از مهم‌ترین آنها است که با توجه به کارکردهای خود از توانایی قابل ملاحظه‌ای در این ارتباط برخوردار است. در تحقیق حاضر به بررسی رابطه بین میزان پرداختن به فعالیت‌های غیر زراعی و ماندگاری روستائیان در محل سکونت شان پرداخته شده و مواردی چون نرخ رشد جمعیت، درآمد، اشتغال، کیفیت زندگی و تمایل به ماندن در روستا در بین ۴۲۳ خانوار روستایی به عنوان نمونه آماری از بین خانوارهای روستایی شهرستان سمیرم در قالب پیمایشی مبتنی بر پرسش نامه محقق ساخته و مطالعات اسنادی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج بدست آمده حاکی از برتری خانوارهای فعال در بخش غیر زراعی نسبت به سایر خانوارهای روستایی در ارتباط با مقولات مورد بررسی می‌باشد. به بیان دیگر این خانوارها از درآمدهای بالاتر، کیفیت زندگی مطلوب‌تر، رضایت از زندگی بیشتر و تمایل به ماندگاری بالاتر در روستا نسبت به گروه دیگر برخوردار بوده‌اند.

**واژه‌های کلیدی:** روستا، اقتصاد غیر زراعی، مهاجرت، ماندگاری روستائیان، کیفیت زندگی، سمیرم.

<sup>۱</sup>. نویسنده مسئول: ۰۹۱۳۱۲۱۱۹۰۵ alavipnu@gmail.com

## بیان مسأله:

میزان ماندگاری روستائیان در محل سکونت‌شان رابطه‌ی تنگاتنگ و غالباً معکوسی با نرخ‌های مربوط به پدیده مهاجرت روستا- شهری دارد. مهاجرت به نوعی از جابجایی مکانی اطلاق می‌شود که بوسیله تغییر محل اقامت مشخص می‌گردد (کاظمی‌پور، ۱۳۸۷: ۱۰۵). این شکل از تغییر مکانی جمعیت علل و عوامل مختلفی دارد که بسته به ویژگی‌های مختلف شخصیتی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی افراد متفاوت است. مهاجرت روستا- شهری بعنوان یکی از اشکال عمده مهاجرت است (پیتیه، ۱۳۶۹: ۴۴). پدیده مهاجرت هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه وجود دارد لیکن نوع و ماهیت این مهاجرت‌ها متفاوت است. در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، مهاجرت از روستا به شهر در زمره مهم‌ترین مسائل اجتماعی و اقتصادی بشمار می‌آید. این مهاجران هم در مبداء و هم در مقصد مسایل و مشکلاتی از جمله بروز نابسامانی‌های متعدد ناشی از فشار بر منابع و امکانات محدود جوامع شهری، بیکاری و کم کاری، کمبود فضاهای زیستی و آموزشی، دلاودگی هوا و محیط زیست، سالخوردگی و زنا نه شدن نیروی کار کشاورزی، تخلیه روستاها و.... را بوجود می‌آورند (قاسمی اردهانی، ۱۳۸۵: ۵۳).

در این رابطه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که علل مهاجرت روستائیان به شهرها در چهار بعد عمده اقتصادی، فرهنگی، جمعیت شناختی و محیطی قابل دسته‌بندی است. الگوی این طبقه‌بندی منبعث از نظریه‌های موجود در زمینه مهاجرت نیز تأثیر پذیرفته است. ضعف ساختاری مناطق روستایی سبب شده است تا روستائیان برای بدست آوردن فرصت‌های بهتر به مناطق شهری مهاجرت کنند و عبارت‌هایی چون نداشتن آینده و نبودن فرصت که در اظهار نظرهای مهاجران روستایی و روستائیان مشهود است، بر این واقعیت تأکید دارد که در جهت حل مشکلات مهاجرت روستا به شهر باید با پارادایم جدیدی به مناطق روستایی نگریت (طاهرخانی، ۱۳۸۰: ۶۸). توسعه روستایی پایدار در این پارادایم جدید ماهیتی میان بخشی دارد و علاوه بر توجه به بخش کشاورزی و تأمین امنیت غذایی موضوعات مهمی نظیر توسعه زیرساخت‌ها، تمرکززدایی، تنوع‌سازی منابع درآمدی، تأکید بر فعالیت‌های غیرکشاورزی، مشارکت زنان، گسترش نهادهای محلی، استفاده پایدار از منابع طبیعی، اتکای بیشتر بر مردم محلی و.... را شامل می‌شود. از سوی دیگر نه تنها از نگرش بخشی به روستاها و توسعه روستایی کاملاً پرهیز می‌شود، بلکه در کنار فعالیت‌های مختلف بخش کشاورزی و دامی، مقوله متنوع‌سازی منابع درآمدی و تأکید بر فعالیت‌های غیر زراعی و خارج از مزرعه مورد تأکید بیشتری قرار دارد (پاسبان، ۱۳۸۶: ۴).

به طور کلی اگر درآمد خانوارهای روستایی کافی نباشد انگیزه مهاجرت به شهر و فعالیت‌های اقتصادی دیگر چنان قوی خواهد بود که مانع ماندگاری او در روستا می‌شود، بویژه در شرایط فعلی که اختلاف امکانات جوامع شهری و روستایی روز به روز بیشتر می‌شود (مهدوی دامغانی، ۱۳۸۴: ۲۴). لذا در این تحقیق به بررسی رابطه پرداختن به فعالیت‌های غیر زراعی و میزان مهاجرت و تمایل به ماندگاری در روستاهای شهرستان سمیرم پرداخته خواهد شد. منطقه مورد مطالعه عمدتاً دارای اقتصاد کشاورزی تک محصولی مبتنی بر محصول سیب برخوردار است. کاشت درخت سیب در منطقه از اواخر دهه ۴۰ آغاز شده و در حال حاضر حدود ۷۶ درصد از درآمد منطقه و خانوارها را تشکیل می‌دهد. هر چند که سیب درختی محصولی دارای مزیت نسبی در مقایسه با سایر محصولات بویژه در بخش زراعت در منطقه مورد مطالعه می‌باشد، ولی رشد خارج از برنامه و سیاست‌گذاری با توجه به چالش‌های اساسی در محیط‌های گوناگون طبیعی و انسانی مشکلاتی را جهت منطقه و ساکنین فراهم نموده است از جمله: آسیب‌پذیری شدید اقتصاد منطقه در شرایط نامساعد آب و هوایی همچون خشکسالی و سرمازدگی (بویژه در سال‌های اخیر)، محدودیت‌های اشتغال در ساختار فعلی تولید، بیکاری آشکار و پنهان، تخریب و فشار بالا بر منابع پایه محیطی، حجم بالای تولید و محدودیت بازاریابی و بازاریابی محصولات تولیدی و متعاقب آن عدم امکان کنترل قیمت و نوسان قیمت محصولات تولیدی، وجود مالکیت غایب در منطقه، محدودیت منابع تولید کشاورزی (بویژه آب و زمین) جهت نیروی انسانی جوان و جویای کار منطقه و.... که عوامل مذکور باعث شکل‌گیری عدم تعادل‌های فضایی بین نواحی شهری و روستایی، درآمدهای واسله در بخش کشاورزی و سایر بخشها شده و در نهایت توان اقتصاد روستایی را در مقابل اقتصاد شهری تحلیل برده است، که نتیجه آن سطح پایین زندگی و محرومیت نسبی در خانوارهایی روستایی ساکن منطقه مورد مطالعه

است. در چنین وضعیتی مسأله اصلی که در این تحقیق نیز در کانون توجه بوده است شناسایی الگوی مناسبی برای تغییر ساختاری وضع موجود و بسط الگوهای رقیبی است که بتواند ضمن حل مشکلات موجود، پاسخگوی نیازهای جدید نیز باشد. از این رو فرضیه اساسی این تحقیق عبارت است از:

- بین میزان درآمدهای غیر زراعی و تمایل به ماندگاری در روستا رابطه معناداری وجود دارد.

#### مبانی نظری:

عموماً در اغلب مطالعات و برنامه‌ریزی‌های توسعه نیز ملهم از رویکرد جهانی آن، به ساختارهای اقتصادی مناطق شهری و نه روستایی معطوف بوده است. به این ترتیب مناطق روستایی همواره بعنوان حاشیه و بدور از تفکرات جامع توسعه نقش وابسته به حوزه‌های شهری را ایفا نموده‌اند (طاهرخانی، ۱۳۷۹: ۱۳). نظریه‌پردازان توسعه در راستای کاهش اثرات منفی چنین ساختاری، در چارچوب الگوی توسعه پایدار رویکرد متنوع‌سازی را پیشنهاد نموده‌اند. بانک جهانی نیز در قالب الگوی فوق، بر اهمیت فعالیت‌های اقتصاد غیر زراعی و چند بخشی در روستاها تأکید کرده است (علوی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۱). در این نظریه برای پایدارسازی اقتصاد روستایی و توسعه پایدار وجود تنوع یکی از ضروریات جامع مختلف قلمداد شده و رعایت این اصل، ثبات و پایداری ساختارهای اقتصادی را تسهیل خواهد نمود (بانک جهانی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵). فعالیت‌های غیرزراعی طیف گسترده‌ای از فعالیت‌ها مانند صنعت، صنایع دستی، خدمات، حمل و نقل، ارتباطات و تجارت را در بر می‌گیرد. تجربیات کشورهای مختلف جهان نیز نشان می‌دهد که فعالیت‌های این بخش در ایجاد درآمد و اشتغال نقش مؤثر داشته و روند آن در طول زمان افزایشی بوده است (پاسبان، ۱۳۸۶: ۳).

در این راستا «راو» بخش غیر زراعی در مناطق روستایی را عبارت از همه فعالیت‌های خارج از کشاورزی و در بخش دوم و سوم اقتصادی که در مناطق روستایی صورت می‌گیرد، می‌داند. این بخش‌ها مجموعه‌ی ناهمگنی از گروه‌های مختلف را شامل می‌شود که از واحدهای صنعتی پیچیده جدید تا فعالیت‌های سنتی توسط یک صنعتگر روستایی را در بر می‌گیرد (Rao, 1994: 37). همچنین نتایج تحقیقاتی که در ارتباط با متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و لزوم توجه به فعالیت‌های غیر زراعی در راستای دستیابی به توسعه پایدار روستایی توسط بانک جهانی از اواسط دهه ۱۹۹۰ و غالباً در کشورهای جهان سوم انجام گرفته است، با توجه به ساختارهای اجتماعی، اقتصادی و محیطی تقریباً مشابه در ایران می‌تواند بعنوان تجارب مفید و ارزنده مورد توجه و تأکید قرار گیرد. محورهای اساسی مورد تأکید در اغلب این تحقیقات در رابطه با نقش تنوع بخشی فعالیت‌های اقتصادی در توسعه نواحی روستایی، الزامات و راهکارهای دستیابی به آن بشرح ذیل است:

۱- فعالیت‌های غیرزراعی توانایی جذب حجم زیادی از نیروی انسانی مازاد روستایی را دارا است. بطوری‌که در کشور چین بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۵ حدود ۲۲ میلیون نفر از نیروی کار از فعالیت‌های زراعی خارج و جذب سایر فعالیت‌های ایجاد شده در نواحی روستایی شده‌اند.

۲- توسعه و توجه به سایر فعالیت‌های اقتصادی غیر زراعی در نواحی روستایی نه تنها توانایی افزایش سریع درآمد روستائیان را دارا می‌باشد؛ بلکه گسترش چنین فعالیت‌هایی در تغییر عقاید سنتی افراد نیز مؤثر خواهد بود.

۳- توسعه فعالیت‌های اقتصادی غیر زراعی می‌تواند به تخصصی شدن، تغییر ساختار تولید و افزایش بهره‌وری اجتماعی کمک کند.

۴- توسعه فعالیت‌های غیر زراعی می‌تواند به ایجاد اشتغال محلی کمک شایان توجهی نماید و مانع از خروج سرمایه‌های مادی و انسانی از نواحی روستایی گردد. از سوی دیگر این مسأله می‌تواند در کاهش مهاجرت‌های روستایی- شهری مؤثر بوده و بسیاری از مسایل اجتماعی ناشی از چنین حرکتی را در شهرها کاهش دهد.

۵- بخش غیر زراعی می‌تواند به گسترش بازار محصولات کشاورزی کمک کند.

۶- گسترش بخش غیر زراعی در نواحی روستایی استراتژی بسیار مهمی برای تغییر ساختار اقتصادی دوگانه فعلی و ترویج مدرنیزاسیون روستایی خواهد بود (World Bank, 1992: 112-117).

## روش تحقیق:

پژوهش پیش‌رو از روش تحقیق توصیفی- تحلیلی جهت بررسی پارامترهای مورد بررسی سود جسته و دارای دو بخش عمده جهت انجام بوده است. بخش اول را مطالعات اسنادی، کتابخانه‌ای و استفاده از ابزارهای اینترنتی جهت بررسی مواردی چون ادبیات موضوع، پیشینه تحقیق، مفاهیم و غیره بخود اختصاص داده و بخش دوم در قالب پژوهش‌های میدانی جهت جمع‌آوری اطلاعات و تدوین و تکمیل پرسشنامه انجام پذیرفته است. روایی پرسشنامه تهیه شده از طریق روایی صوری و محتوایی و با تأیید اساتید و کارشناسان متخصص انجام شد و پایایی آن با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ با مطالعه مقدماتی در بین ۳۰ نفر از جامعه آماری مورد مطالعه انجام گردید که ضریب بدست آمده در این رابطه برای سازه‌های کیفیت زندگی ۰/۹۲ و پایگاه اقتصادی ۰/۷۸ برآورد شد که از قابلیت اعتماد مطلوبی برخوردار می‌باشد. در مرحله بعد از بین ۱۰۲ روستای شهرستان سمیرم ۲۵ روستا بعنوان روستای نمونه انتخاب و در نهایت با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۴۲۳ خانوار بعنوان خانوارهای نمونه از بین روستاهای فوق‌الذکر بطور تصادفی انتخاب گردیده و پرسشنامه‌های تدوین شده از طریق مصاحبه با سرپرستان خانوارهای نمونه تکمیل شد. در مراحل بعدی تحقیق استخراج داده‌های گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزارهای SPSS و Excel صورت گرفته و از آزمون‌های آماری مرتبط جهت آزمون فرضیه استفاده شده است.

## معرفی منطقه مورد مطالعه:

منطقه مورد مطالعه شهرستان سمیرم در فاصله ۱۶۵ کیلومتری جنوب شهر اصفهان واقع گردیده است، که مهم‌ترین رکن فعالیت‌های اقتصادی شهرستان و نواحی روستایی آن‌را فعالیت‌های کشاورزی تشکیل می‌دهد. از بین اشکال گوناگون تولید کشاورزی در منطقه کشت و تولید سیب درختی جایگاه ویژه‌ای دارد. بر اساس آمار سال زراعی ۸۹-۱۳۸۸ سطح زیر کشت این محصول در حدود ۱۹۰۰۰ هکتار بوده که نزدیک به ۹۷/۴ درصد از اراضی باغی و ۴۸/۰۹ درصد از کل اراضی کشاورزی شهرستان را شامل می‌شود و بقیه زیر کشت سایر محصولات بویژه گندم دیم (۰/۴۲) می‌باشد.

## یافته‌های تحقیق:

## روند تغییرات جمعیت در روستاهای مورد مطالعه:

در بررسی رشد جمعیت روستاهای منطقه مورد مطالعه نرخ رشد طبیعی جمعیت روستایی منطقه مورد مطالعه بطور متوسط در سال ۱۳۸۶ در حدود ۲/۵ درصد بوده است، که وجود چنین رشد جمعیتی با توجه به ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منطقه تا حدودی قابل قبول می‌باشد. جهت بررسی و مقایسه رشد جمعیت روستایی منطقه محاسبات مربوطه طی دوره آماری ۸۵ - ۱۳۴۵ انجام شده و نتایج آن در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱- روند رشد جمعیت روستاهای شهرستان سمیرم به تفکیک دهستان طی دوره ۸۵-۱۳۴۵

نوع آماری دهستان	۵۵ - ۱۳۴۵	۶۵ - ۱۳۵۵	۷۵ - ۱۳۶۵	۸۵ - ۱۳۷۵	جمعیت مورد انتظار در سال ۱۳۹۵
پادانای علیا	۳/۵	۴/۴	۱/۸	۱/۲	۱۲۸۳۳
پادانای وسطی	۲/۷	۳/۹	-۱/۰۸	-۰/۲	۷۶۰۲
پادانای سفلی	۳/۲	۴	۱/۵	-۰/۷	۵۲۸۰
ونک	۱/۳	۲/۴	۱	-۲/۷	۲۳۲۹
حنا	۱/۳	۰/۹	۰/۹	۳/۳	۱۱۵۰۳
وردشت	۰/۷	۰/۶	۰/۶	۱/۸	۱۱۰۷۹

منبع: تحلیل میدانی تحقیق با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۴۵.

در بررسی میزان رشد روستاهای منطقه به تفکیک دهستان که در جدول شماره ۱ ارائه شده است، شاهد نرخ رشدی کمی کمتر از رشد طبیعی جمعیت هستیم. بطوریکه در حدود ۷۵/۵ درصد از سکونتگاه‌های روستایی دارای نرخ رشدی در حدود ۲/۵ و کمتر از آن، ۱۱ درصد از روستاها دارای رشدی بین ۲/۵ تا ۵ درصد و ۱۴ درصد از روستاها دارای رشدی بیشتر از ۵

درصد بوده‌اند. همچنین نتایج بررسی رشد جمعیت هر کدام از روستاهای مورد بررسی طی آخرین دوره سرشماری در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲- طبقه بندی روستاهای شهرستان سمیرم براساس نرخ رشد جمعیت طی دوره ۸۵-۱۳۷۵

کمتر از صفر	کمتر از یک درصد	۱-۲ درصد	۲-۴ درصد	۴-۶ درصد	بیشتر از ۶ درصد
حاجی آباد(۰/۷)-، صادق آباد(۰/۸)-، بردکان (۰/۳)-، نرمة (۰/۸)-، ده نساسفلی (۰/۵)-، دیزجان (۰/۷)-، امیرآباد (۰/۲)-، کاسگان سفلی (۰/۶)-، سرچقاعلیل (۰/۷)-، حیدرآبادقور تپسی (۰/۹)- ورق (۰/۴)- علی آباد دهکرد (۰/۹)- دهکرد (۰/۴)- چشمه سرد (۰/۳)-، پیراسفنه (۰/۱)-، شیخ علی (۰/۱)-، ونک (۰/۳)-، ماندگان (۰/۸)-، کلیجه (۰/۵)-، سیور (۰/۴)-، رودآباد (۰/۹)-، چهارراه (۰/۳)-، تنگ خشک (۰/۳)-، بی بی سیدان (۰/۲)-، آب ملخ (۰/۳)-، مورک (۰/۱)-، عربشاه (۰/۷)-، سعادت آباد (۰/۸)-، دیلی (۰/۷)-، خینه (۰/۸)-، خفر (۰/۳)-، خاکدانه (۰/۸)-، شیبانی (۰/۷)-، دورگان علیا (۰/۸)-، مهرآباد و کره دان *	قره قاچ (۰/۳)، نورآباد(۰/۶)، آغداش (۰/۷)، تل چنگی سفلی (۰/۳)، اسلام آباد (۰/۷)، ضرغام آباد(۰/۴)، هست (۰/۹)، چشمه خونی (۰/۸)، آب گرمک (۰/۸)، قنات کیفته (۰/۷)، دیده جان (۰/۳)، گنجگان (۰/۶)، کیفیته حسینی (۰/۵)، شهید (۰/۹)، ده بزرگ (۰/۸)، حسن آبادسفلی (۰/۱)، بازارگاه (۰/۷)، بارندسفلی (۰/۸)	اسدآباد (۰/۱)، حسین آباد (۰/۷)، سرچقاسفلی (۰/۲)، نظرآباد (۰/۱)، کاکاآباد (۰/۷)، قلعه قدم (۰/۱)، سادات آباد (۰/۸)، ولدخانی (۰/۶)، رهیز (۰/۷)، دشتبال (۰/۶)، تل محمد (۰/۱)، پهلوشکن (۰/۷)	جلال آباد (۰/۳)، مهرگرد (۰/۵)، کزن (۰/۷)، ملاقلی (۰/۴)، حیدرآباد (۰/۳)، حنا (۰/۶)، گرموک (۰/۵)، قاعدعلی (۰/۵)، کیفیته گیوسین (۰/۲)، لرکش (۰/۳)، نقل (۰/۶)، کهنگان (۰/۳)، بارندعلیا (۰/۲)، امیرآباد (۰/۵)	فتح آباد (۰/۴)، نورآباد (۰/۵)، سرباز (۰/۴)، زمان کهریز (۰/۱)، حیدرآبادعلیمردا نی (۰/۶)، سعادت آباد (۰/۶)، علی آباد (۰/۸)، دورگان سفلی (۰/۳)	دولت قرین (۰/۷)، اسلام آباد (۰/۹)، چشمه رحمان (۰/۵)، مهدی آباد (۰/۸)، سیاه کلک (۰/۹)، حیدرآبادعلیمردا نی (۰/۶)، سعادت آباد (۰/۶)، علی آباد (۰/۸)، دورگان سفلی (۰/۳)

منبع: تحلیل میدانی تحقیق با استفاده از داده های مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۴۵.

روند تحولات تعداد روستاها و جمعیت روستایی منطقه مورد مطالعه دارای فراز و فرودهایی است که نشان دهنده پایداری ضعیف و عدم ثبات آن می‌باشد. طی دوره‌های مورد بررسی تعدادی روستای جدید ایجاد شده و برخی از روستاهای مسکون در گذشته، جمعیت خود را از دست داده‌اند. روستاهای تازه آباد در این محدوده عموماً خواستگاه عشایری و ایلی داشته و یکجانشینی چند خانوار از یک طایفه یا تیره باعث شکل‌گیری روستا در پهنه جغرافیایی منطقه گردیده است. از این روستاها می‌توان به مواردی همچون سیاه کلک، تل چنگی سفلی، کاکا آباد، نظر آباد، حیدر آباد، سعادت آباد و اسلام آباد اشاره نمود. در ارتباط با شکل‌گیری این روستاها باید اذعان نمود که قرارگیری در مکان نامناسب با توجه به منابع محیطی در دسترس در توسعه آینده آن بسیار مؤثر بوده است. بطوری‌که برخی از این روستاها در ابتدا دارای میزان‌های رشد بالا بوده‌اند، اما به مرور زمان با توجه به شرایط نامناسب معیشتی رشد خود را از دست داده و یا دارای رشد منفی جمعیتی و مهاجرت جمعیت می‌باشند. چنانکه طی دوره ۶۵-۱۳۴۵ حدود ۶/۹ درصد از روستاها دارای رشد منفی بوده که این میزان طی دوره ۸۵-۱۳۶۵ به حدود ۲۸/۵ درصد رسیده است.

برخی دیگر از روستاهای منطقه نیز در دوره مورد بحث دارای فراز و فرودهای فراوانی بوده‌اند که نرخ رشدیایی بیشتر از +۸ یا -۸ درصد را می‌توان نام برد. در ارتباط با دلایل اینگونه تحولات در منطقه می‌توان به مواردی چون عدم کفایت منابع معیشتی از یک سو و محدودیت‌های شدید در ارتباط با گسترش فعالیت‌های اقتصادی جهت جمعیت فعلی و دسترسی‌های دشوارتر به سایر نواحی اشاره نمود که روستاهای آب ملخ، خاکدانه، دورگان علیا، بردکان و خینه دارای چنین شرایطی هستند. این روستاها عموماً دارای محدودیت‌های شدید در ارتباط با توسعه فعالیت‌های اقتصادی خود می‌باشند و در پاسخگویی به نیازهای تازه واردان روستایی ناموفق بوده‌اند.

در این راستا روستاهایی که دارای میزان رشد زیاد و خیلی زیاد بوده‌اند نیز دارای ویژگی‌های خاصی بوده‌اند. ویژگی‌هایی چون عدم محدودیت مؤثر در توسعه فعالیت‌های اقتصادی خصوصاً آب و زمین، دسترسی بهتر نسبت به سایر نواحی، دارا بودن خدمات عمومی همچون امکانات آموزشی و بهداشتی آنچه در ارتباط با این روستاها قابل ذکر است این است که این روستاها

دارای ترکیب قومی و نژادی یکسانی می‌باشند و با نقاط روستایی که خانواده‌های مهاجرین زندگی می‌کنند، دارای فاصله نزدیکی هستند که این مسأله امکان ادامه فعالیت اقتصادی در روستای مبداء را ضمن برخورداری از خدمات مذکور برای آنها فراهم نموده است. روستاهای دورگان علیا و سفلی، بیده، علی آباد، مورک، سرباز، فتح آباد دارای چنین شرایطی هستند. همچنین بر اساس یافته‌ها از ۱۰۲ روستای مسکون شهرستان سمیرم ۱۴ روستا کوهستانی، ۴۳ روستا کوهپایه‌ای و بقیه روستاها دشتی می‌باشند. بررسی واریانس میانگین رشد جمعیت روستاها طی دوره ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۵ نشان دهنده آن است که روستاهای جلگه‌ای دارای واریانس ۲/۱۹، روستاهای کوهپایه‌ای ۲/۰۸ و روستاهای کوهستانی ۸/۷۸ بوده است. به بیان دیگر تحولات جمعیتی در روستاهای کوهستانی نسبت به سایر روستاها بسیار شدیدتر بوده است. (جدول شماره ۳). از دیگر سو تعداد روستاهای خالی از سکنه در این تیپ از روستاها نسبت به روستاهای دیگر بیشتر بوده و ۱۸ روستا طی دوره مورد بررسی جمعیت خود را از دست داده‌اند. از مهم‌ترین عوامل مؤثر در این ارتباط می‌توان به مشکلات اقتصادی و ارتباطی در این تیپ از روستاها نسبت به سایر روستاها اشاره کرد.

جدول ۳- میانگین رشد جمعیت روستاهای شهرستان براساس محل استقرار روستا طی دوره ۸۵-۱۳۴۵

دوره	۷۵-۸۵	۶۵-۷۵	۵۵-۶۵	۴۵-۵۵
وضعیت طبیعی				
کوهستانی	-۰,۷	۰,۵	۰,۳	۲,۱
دشتی	۱,۶	۱	۱,۵	۱,۱
کوهپایه‌ای	۰,۷	۱,۴	۳,۲	۲,۶
میانگین دوره	۰,۵	۱	۱,۷	۱,۹

منبع: تحلیل میدانی تحقیق با استفاده از داده‌های مرکز آمار ایران، ۸۵-۱۳۴۵.

#### وضعیت اشتغال در روستاهای مورد مطالعه:

بررسی وضعیت اشتغال در منطقه مورد مطالعه نشان دهنده آن است که میانگین روزهای کاری هریک از شاغلین در بخش‌های مختلف اقتصادی ۷۳ روز در سال می‌باشد؛ که نشان دهنده‌ی بالا بودن میزان بیکاری آشکار و بویژه پنهان در جامعه مورد بررسی می‌باشد. برآوردهای بدست آمده نشان دهنده آن است که در حدود ۶۲/۷ درصد از فعالان اقتصادی مورد بررسی منحصرآ در بخش باغداری و تولید سیب مشغول بکار بوده و سایرین در سایر بخش‌ها و یا همزمان در باغداری و سایر فعالیت‌ها مشغول بوده‌اند. (جدول شماره ۴).

جدول ۴- فعالیتهای عمده اقتصادی در خانوارهای نمونه مورد مطالعه

فعالیت	درصد فعالان
منحصرا باغداری	۶۲,۷
پرورش دام و باغداری	۲۰,۰۵
باغداری، پرورش دام و سایر محصولات کشاورزی	۸,۶۸
فعالیت‌های غیرکشاورزی	۸,۵۶
جمع	۱۰۰

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

فعالیت‌های غیر کشاورزی نیز یکی از زمینه‌های ایجاد اشتغال و فعالیت در بین خانوارهای مورد مطالعه بوده است که حدود ۸/۷ درصد از کل شاغلان مورد بررسی را بخود اختصاص داده است. چگونگی توزیع آن در بخش‌های مختلف اقتصادی در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول ۵- فعالیتهای غیرکشاورزی و چگونگی توزیع آن در محدوده مورد مطالعه

درصد فعالان	زمینه فعالیت
۳۴,۱	کارگری
۸,۲	قالیبافی
۵۳,۶	خدمات فنی و عمومی
۲,۴	پرورش ماهی
۱,۷	سایر موارد
۱۰۰	جمع

منبع: یافته‌های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

نکته قابل توجه در رابطه با این فعالیتهای تعداد نیروی کار شاغل و زمان کار در طول سال است. بطوری‌که بر اساس یافته‌های تحقیق متوسط نیروی کار و زمان کار در طول سال در این قبیل خانوارها به مراتب بیشتر از خانوارهای دارای یک فعالیت خاص بوده است. میانگین بدست آمده در این رابطه نزدیک به ۱۱۹ روز در بخش کشاورزی و ۲۰۳ روز در بخش غیر کشاورزی و یا مرتبط با کشاورزی بوده است. بگونه‌ای که این خانوارها توانسته‌اند بطور کاملاً مستقل و یا در کنار پرداختن به فعالیتهای کشاورزی از فرصت‌ها و قابلیت‌های موجود در عرصه خانواده و محیط زندگی خود بهره برده و زمینه‌ای را جهت ایجاد اشتغال و درآمد برای خود و یا سایر اعضای خانواده فراهم نمایند.

نکته دیگر اینکه نوع فعالیت انجام شده از قابلیت‌های زندگی روستایی تبعیت داشته که نمود آنرا می‌توان بطور کاملاً آشکاری مشاهده نمود. بعنوان مثال اغلب تأسیسات متعلق به پرورش ماهی در بخش پادنا تمرکز داشته‌اند؛ که وجود رودخانه‌های متعدد و پرآب با وضعیت مطلوب جهت این فعالیت در این مسأله تأثیرگذار بوده است. از سوی دیگر می‌توان به فعالیت‌هایی همچون رواج قالیبافی در اغلب روستاهای بخش مرکزی بویژه دهستان وردشت اشاره داشت که عمدتاً دارای منشاء ایلی می‌باشد. از دیگر موارد می‌توان به انجام فعالیت‌هایی چون تولید و پرورش قارچ خوراکی (روستای ورق)، پرورش اسب (مهرگرد)، تولیدات گلخانه‌ای، پرورش شتر مرغ و بوقلمون اشاره نمود. در همین ارتباط تعداد نیروی کار هر یک از خانوارها نیز قابل ذکر است که بنا به پرسشنامه‌های تکمیل شده و مصاحبه با مطلعین متوسط نیروی کار در بخش باغداری ۱/۷ نفر، در بخش باغداری و پرورش دام ۳/۴ نفر، در بخش باغداری، پرورش دام و سایر محصولات کشاورزی ۳/۹ نفر و در فعالیتهای غیر کشاورزی و یا مرتبط با آن که در کنار سایر فعالیتهای ذکر شده در بالا قرار داشته نزدیک به ۵/۲ نفر مشغول به فعالیت بوده‌اند. که این مسأله نشان از توانایی ایجاد فرصت‌های شغلی و درآمدی برای افراد خانوار در صورت اشتغال و فعالیت در حوزه‌های چند گانه کار و فعالیت بوده است.

در رابطه با فعالیت و اشتغال چگونگی کار اعضای خانوار نیز دارای اهمیت است که از متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق بوده است. در این زمینه حدود ۸۴/۴ درصد از خانوارهای مورد مطالعه در این تحقیق دارای کارگر خانوادگی بوده‌اند. متوسط تعداد افراد خانواده فعال در این کارها ۲/۴ نفر بوده است. (جدول شماره ۶). کار خانوادگی ضمن اینکه نشان دهنده استحکام روابط خانوادگی سنتی در این واحدها است، باعث انتقال دانش بومی و سنتی از نسل‌های پیشین به آیندگان می‌شود. ضمن اینکه نسل دوم با شناختی که از محدودیت‌ها، اشکالات و نیز فرصت‌ها بدست آورده است، می‌تواند در طول زمان نسبت به رفع این مشکلات اقدام نماید. از سوی دیگر باید در نظر داشت که وجود تعداد افراد بیشتری از خانواده در واحدهای اقتصادی علی‌رغم مزایای ذکر شده، در صورت کوچکی واحد می‌تواند نشان دهنده وجود بیکاری پنهان بوده باشد و در کاهش سطح زندگی و رفاه خانواده مؤثر واقع گردد.

جدول ۶ - نیروی کار خانوادگی به تفکیک روستا

نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد	نام روستا	تعداد افراد
خفر	۲,۵	خینه	۲,۷	کیفته گیوسین	۲,۳	قنات	۲,۵
دیده جان	۲,۶	ماندگان	۲,۸	چشمه خونی	۲,۱	شیخ علی	۳
قلعه قدم	۲	پیراسفنه	۲,۷	موروک	۲,۷	ورق	۱,۳
فتح آباد	۲,۳	چشمه رحمان	۲,۱	ده نساسفلی	۳	صادق آباد	۲,۴
امیرآباد	۱,۶	بارندسغلی	۱,۹	پهلوشکن	۲,۳	دنگزلو	۲,۱
سرباز	۲,۷	کیفته حسینی	۲,۵	نقل	۱,۸	رودآباد	۲,۷
علی آباد	۲,۶	میانگین	۲,۴				

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

## وضعیت درآمد در روستاهای مورد مطالعه:

تولیدات خانوارهای روستایی را در هر یک از بخش‌های اقتصادی موجود می‌توان در سه بخش خود مصرفی، تولید برای بازار و ترکیبی از هر دو طبقه‌بندی کرد. بنابر مطالعات انجام شده با توجه به وجود بازارها و دسترسی به آن و قیمت در هر یک از تولیدات خانوار دارای تفاوت‌هایی است. بعنوان مثال در بخش تولیدات دامی بطور متوسط نزدیک به ۶۱/۸ درصد خود مصرفی، ۳۵ درصد برای بازار و ۳/۲ درصد ترکیبی از هر دو بوده است. در حالی که محصولی چون سیب درختی عمدتاً جهت فروش در بازار تولید می‌گردد که با توجه به سهم آن در اقتصاد خانوارها در بخش عوامل انسانی، بازار و چگونگی فروش تولیدات دارای اهمیت اساسی خواهد بود و با توجه به اینکه مهم‌ترین عامل درآمدزا برای خانوارها می‌باشد تحولات آن می‌تواند خانوارهای بهره‌بردار را تحت تأثیر قرار دهد. جهت محاسبه درآمد خانوارها کل تولیدات اعم از خود مصرفی و برای بازار بعنوان بخشی از درآمد کل در هر یک از بخش‌های اقتصادی در نظر گرفته و محاسبه شده است. بر اساس مجموع دارایی‌های تولیدی و فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار اعم از باغداری، زراعت، دامداری، کارگری و اظهارات پاسخگویان اقدام به برآورد درآمد خالص کل هر یک از خانوارها در روستاهای مورد مطالعه گردید و میانگین درآمد آنها و روستاهای محل سکونت محاسبه گردیده و توزیع آن براساس طبقات درآمدی جهت هر یک از خانوارها در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول ۷ - درصد و تعداد خانوارهای مورد بررسی به تفکیک طبقات درآمدی، ۱۳۸۸

طبقات درآمدی		خانوارهای فعال در بخش زراعی		خانوارهای فعال در بخش غیر زراعی	
درصد بهره مندان	تعداد	درصد تجمعی بهره مندان	درصد بهره مندان	درصد تجمعی بهره مندان	تعداد
۱/۵ - ۰ میلیون تومان	۱۲/۵	۱۲/۵	۷/۳	۷/۳	۷/۳
۳ - ۱/۵ میلیون تومان	۲۵/۸	۳۸/۳	۱۴/۱	۲۱/۴	۲۱/۴
۴/۵ - ۳ میلیون تومان	۲۶/۵	۶۴/۸	۳۰/۲	۵۱/۶	۵۱/۶
۶ - ۴/۵ میلیون تومان	۱۴/۴	۷۹/۲	۳۳/۷	۸۵/۳	۸۵/۳
بالا تر از ۶ میلیون تومان	۲۰/۸	۱۰۰	۱۴/۷	۱۰۰	۱۰۰
جمع	۱۰۰	-	۱۰۰	-	-

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

همانگونه که از جدول شماره ۷ دریافت می‌شود، نزدیک به ۳۰ درصد از خانوارهای مورد بررسی در گروه خانوارهای فعال در بخش زراعی درآمدی کمتر از ۳ میلیون تومان در سال داشته و سایرین از درآمدهای بالاتری از این مقدار برخوردار بوده‌اند و حتی بخش قابل توجهی نیز از درآمدهای به نسبت بالایی بهره‌مند بوده‌اند. در حالی که خانوارهای دارای فعالیت‌های غیر زراعی از وضعیت درآمدی به نسبت مطلوب‌تری بهره‌مند بوده‌اند. نکته قابل تأمل در این رابطه آنست که در وضعیت کنونی تولید و با لحاظ کردن تمام ظرفیت درآمدی خانوارها با توجه به منابع تولیدی در اختیار خانوار و خط فقر محاسبه شده در سال ۱۳۸۹ نزدیک به ۳۰ درصد از خانوارهای فعال در بخش زراعی عموماً زیر خط فقر قرار داشته‌اند و در صورتی که چالش-

های پدید آمده ناشی از مسایل طبیعی و انسانی را در محاسبه درآمد خانوارها لحاظ کنیم، قطعاً ارقام بالاتر و شدت بیشتری از شیوع این پدیده را در بین خانوارهای مورد بررسی نشان خواهند داد.

### شاخص ماندگاری مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خانوارهای روستایی :

در ادامه شاخص ماندگاری در روستا مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی شامل مواردی چون رضایت از درآمد، میزان توانایی در تأمین هزینه‌های زندگی شامل هزینه‌های خوراک و پوشاک و میزان پس‌انداز در بین پاسخگویان مورد بررسی قرار گرفت. (جدول شماره ۸).

جدول ۸- شاخص ماندگاری مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خانوارهای در بخش زراعی (بعد عینی، درصد)

موضوع	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
میزان رضایت از درآمد	۰,۲	۳۲,۹	۵۸,۹	۸,۱	-
میزان توانایی تأمین هزینه های درمانی ضروری	۰,۵	۲۳,۲	۴۶,۴	۲۹,۶	۰,۲
میزان توانایی در تأمین مخارجی چون خرید گوشت، میوه و...	-	۱۱,۸	۵۰	۳۷,۹	۰,۲
میزان توانایی تأمین هزینه های پوشاک	-	۸,۱	۵۲,۸	۳۸,۹	۰,۲
میزان پس انداز	۵۳,۶	۱۲,۱	۳۴,۱	۰,۲	-
میزان رضایت از زندگی در روستا	-	۲۹,۴	۳۸,۴	۳۲	۰,۲
میزان تمایل به زندگی و ماندن در روستا	۷,۵۳	۲۵,۳۲	۳۹,۴	۲۷,۵	۰,۲۵
میزان تمایل به ادامه زندگی و فعالیت فرزندان در روستا	۱۷,۸	۳۲,۱۵	۳۸,۶	۹,۹	۱,۵۵
میانگین	۱۰	۲۱,۹	۴۴,۸	۲۳	۰,۳

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

به طوری که از داده‌های جدول شماره ۸ دریافت می‌شود در رابطه با تأمین هزینه‌های درمانی و بهداشتی ۷۰/۱ درصد پاسخگویان توانایی متوسط یا کمتر داشته‌اند، در رابطه با تأمین مخارجی چون خرید گوشت و میوه و بطور کلی تغذیه ۶۱/۸ درصد دارای توانایی متوسط و کمتر و در ارتباط با تأمین هزینه پوشاک ۶۰/۹ درصد دارای توانایی متوسط و کمتر بوده‌اند. در مورد میزان رضایت از درآمد و رضایت از زندگی نیز به ترتیب ۹۲ و ۶۷/۸ درصد در حد متوسط و کمتر بوده‌اند. برای سنجش بعد ذهنی رضایت از زندگی و کیفیت زندگی، ۸ سوال پرسیده شده است که در آنها احساسات فرد از خود و موقعیت خود در جامعه مورد سنجش قرار گرفته است. توصیف این گویه ها در جدول شماره ۹ ذیل ارائه شده است.

جدول ۹- شاخص ماندگاری مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خانوارهای در بخش زراعی (بعد ذهنی، درصد)

موضوع	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
احساس شادی فردی از زندگی در روستا	۲۲,۳	۱۷,۶۷	۳۱,۵	۲۱,۳	۷,۲۳
احساس موفقیت فرد در زندگی	۲۹,۸	۲۳,۴	۲۰,۷	۱۵,۳	۱۰,۸
احساس ناتوانی در اجرای تصمیم‌گیری‌ها	۳۰,۳	۲۷,۸	۲۴,۹	۱۰,۷	۶,۳
میزان احساس ارزش جامعه برای فرد	۳۱,۸	۲۵,۴	۲۷,۸	۱۱,۱	۳,۹
احساس بودن جزئی از جامعه	۲۳,۵	۲۸,۳	۳۰,۱۵	۹,۸	۸,۲۵
احساس تندرستی و سلامت	۱۹,۲	۱۴,۵	۴۳,۴	۱۰,۲	۱۲,۷
آگاهی و اطلاع از امور و مسائلی که در جامعه می‌گذرد	۲۴,۸	۱۹,۷۵	۳۰,۲	۱۶,۳	۸,۹۵
احساس بهره مندی از امکانات زندگی	۱۳,۶	۱۷,۵	۳۵,۸	۲۳,۸	۹,۷

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

در ادامه تحقیق وضعیت خانوارهای دارای فعالیت در بخش‌های غیر زراعی از منظر شاخص ماندگاری در قالب رضایت از زندگی و کیفیت زندگی در دو بعد عینی و ذهنی مورد بررسی قرار گرفته است (جدول شماره ۱۰).

جدول ۱۰- شاخص ماندگاری مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خانوارهای فعال در بخش غیر زراعی (بعد عینی، درصد)

موضوع	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
میزان رضایت از درآمد	۰/۵	۲۶/۹۴	۳۹/۰۷	۳۱/۷۵	۱/۷۴
میزان توانایی تامین هزینه های درمانی ضروری	۰/۱۵	۱۷/۲۶	۴۱/۸۴	۳۹/۵۶	۱/۱۹
میزان توانایی در تامین مخارجی چون خرید گوشت، میوه و...	۰	۳/۵۲	۳۵/۲	۵۶/۱۷	۵/۱۱
میزان توانایی تامین هزینه های پوشاک	۰	۰/۷۴	۳۱/۷۸	۴۹/۵۲	۱۷/۹۶
میزان پس انداز	۳۴/۰۲	۱۵/۱۹	۲۴/۶	۲۳/۱	۳/۰۹
میزان رضایت از زندگی در روستا	۰	۸/۹	۴۷/۵۹	۳۴/۹۳	۸/۵۸
میزان تمایل به زندگی و ماندن در روستا	۱،۸	۵،۳	۴۵،۲	۳۹،۵۷	۸،۱
میزان تمایل به ادامه زندگی و فعالیت فرزندان در روستا	۴،۵۶	۱۲،۷	۴۱،۰۲	۳۷،۲	۴،۵۲
میانگین	۵/۷۷	۱۲/۰۹	۳۶/۶۸	۳۹/۱۷	۶/۲۹

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

همان گونه که دریافت می شود توزیع گویه های مختلف در رابطه با رضایت از زندگی در بین این خانوارها، نسبت به سایر خانوارهای نمونه وضعیت متعادل تری را نشان می دهد. در حالی که این شاخص در رابطه با کل خانوارها از نوعی عدم رضایت یا رضایت کمتر حکایت دارد. نزدیک به ۷۵/۴ درصد از خانوارها دارای میزان رضایت کم تا متوسط بوده اند. همچنین در بعد ذهنی میزان رضایت از زندگی زیاد و بسیار زیاد در این خانوارها حدود ۴۵/۴۶ درصد بوده که در مقایسه با کل خانوارها (۲۴/۶ درصد) نشان دهنده میزان رضایت مندی بیشتر در این قبیل از خانوارها نسبت به سایرین بوده است. (جدول شماره ۱۱).

جدول ۱۱- شاخص ماندگاری مبتنی بر رضایت از زندگی و کیفیت زندگی خانوارهای فعال در بخش غیر زراعی (بعد ذهنی، درصد)

موضوع	بسیار کم	کم	متوسط	زیاد	بسیار زیاد
احساس شادی فردی در زندگی	۳،۷	۱۴،۷	۴۰،۷	۳۳،۷	۷،۳
احساس موفقیت فرد در زندگی	۳،۳	۱۷	۳۶	۳۰	۱۳
احساس ناتوانی در اجرای تصمیم گیری ها	۱۲،۳	۵۱،۷	۲۰،۷	۱۲،۳	۲،۷
میزان احساس ارزش جامعه برای فرد	۷	۱۶،۳	۲۸،۳	۳۳،۷	۱۳
احساس بودن جزئی از جامعه	۳	۹،۳	۱۷،۷	۴۱،۷	۲۸،۳
احساس تندرستی و سلامت	۳،۳	۷،۷	۲۸،۳	۳۶،۷	۲۳
آگاهی و اطلاع از امور و مسائلی که در جامعه می گذرد،	۳،۳	۲۷،۳	۳۴	۲۵،۳	۸،۷
احساس بهره مندی از امکانات زندگی	۰،۷	۱۶،۷	۳۹،۷	۳۰	۱۱،۷

منبع: یافته های میدانی تحقیق، ۱۳۹۰.

### آزمون فرضیه تحقیق:

برای بررسی رابطه تمایل به ماندگاری روستائیان و برخورداری از منابع درآمدی غیر زراعی از آزمون معناداری T- test استفاده شد. نتایج حاصل بیانگر وجود اختلاف معنادار در میانگین نمره مربوط به تمایل به ماندن در بین دو گروه برخوردار و فاقد منابع درآمدی غیر زراعی در سطح اطمینان ۹۹ درصد بود. مقایسه بین کمیت میانگین دو گروه نشان دهنده کسب امتیاز بیشتر در گروه دارای منابع درآمدی غیر زراعی در زمینه میل ماندن در روستا است. بعبارت دیگر برخورداری از منابع درآمدی غیر زراعی سطوح بالاتر رضایت از زندگی و تمایل به زندگی در محیط روستا را در بین پاسخگویان نتیجه داده است. بنابراین می توان فرضیه فوق الذکر را مورد تأیید قرار داد. (جدول شماره ۱۲ و ۱۳).

جدول ۱۲- میانگین و انحراف معیار متغیر تمایل به زندگی در روستا در دو گروه مورد بررسی

تعداد	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد میانگین
۱۲۶	۱۹,۵۸۳۱	۳,۰۸۹۲	۰,۱۷۹۹
۱۹۶	۱۱,۳۸۸۹	۳,۶۷۵۴	۰,۳۱۸۵

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۰.

جدول ۱۳: آزمون T test بین متغیر بر خورداری از منابع درآمدی غیر زراعی و تمایل به زندگی در روستا

فاصله اطمینان در سطح ۹۵ درصد	آزمون t برای بررسی معناداری تفاوت میانگیمها						آزمون لوئیس برای برابری واریانسها		
	خطای استاندارد	اختلاف میانگین	معناداری (دوطرفه)	درجه آزادی	آماره t	معناداری	آماره F		
کران بالا	کران پایین	اختلاف میانگین	۱,۱۹۴۱۶	۰,۰۰۱	۴۱۹	۳,۴۶۱	۰,۰۳۹	۴,۲۹۲	محاسبه با فرض برابری واریانسها
۱,۸۷۲۳۵	۰,۵۱۵۹۸	۰,۳۴۵۰۲	۱,۱۹۴۱۶	۰,۰۰۱	۲۰۸,۴۱۳	۳,۲۶۵			محاسبه با فرض عدم برابری واریانسها

منبع: یافته‌های تحلیلی تحقیق، ۱۳۹۰.

### نتیجه گیری و ارائه پیشنهادها:

عدم ماندگاری روستائیان در سکونتگاه‌های روستایی و تمایل به مهاجرت از روستا به شهر دلایل متعددی دارد که مهم‌ترین آنها ضعف بنیان‌های اقتصادی در مناطق روستایی به ویژه مواردی چون عدم وجود فرصت‌های شغلی جدید جهت تازه واردان و جوانان روستایی، بیکاری پنهان نیروی کار و عدم کفایت درآمد ظرفیت‌های شغلی موجود در بخش زراعی است. لذا بکارگیری استراتژی مناسبی که توانایی پاسخ به چنین چالش‌هایی را داشته باشد؛ دارای اولویت اساسی خواهد بود. اقتصاد غیر زراعی بعنوان یکی از استراتژی‌های موفق در این رابطه بشمار می‌آید. منطقه سمیرم از توابع استان اصفهان بعنوان یکی از فضاهای روستایی کشور با توجه به ساختار اقتصادی تک محصولی آن یعنی اتکاء درآمد خانوارهای روستایی به فعالیت‌های کشاورزی و بویژه تولید سیب درختی دارای چالش‌های متعددی در حوزه توسعه روستایی و از جمله عدم ماندگاری روستائیان در مناطق روستایی شهرستان است. اگر چه کشت محصول سیب درختی در منطقه در مقایسه با سایر محصولات کشاورزی از مزیت نسبی بالاتری برخوردار است، اما وجود مسایل گوناگونی چون فقر روستایی، بیکاری آشکار و پنهان، آسیب‌پذیری اقتصاد خانوارهای روستایی در مواجهه با حوادث طبیعی و انسانی، عدم وجود فرصت‌های شغلی جهت نیروی انسانی جوان و نسبتاً فراوان روستایی و ..... لزوم توجه به استراتژی اقتصاد غیر زراعی را در منطقه مورد تأکید قرار می‌دهد.

یافته‌های تحقیق مؤید آن است که مواردی همچون اشتغال، میزان درآمد، کیفیت زندگی، رضایت از زندگی و در نهایت تمایل به ماندگاری در روستای محل سکونت خانوار در بین خانوارهای فعال در بخش غیرزراعی سطوح به مراتب مناسب‌تری را در مقایسه با خانوارهای فعال در بخش زراعی دارد. به بیان دیگر گسترش فعالیت‌های اقتصادی غیر زراعی می‌تواند در کاهش عوامل دافعه فضاهای روستایی و جلوگیری از مهاجرت از روستا نقش مؤثری داشته باشد. بنابراین پیشنهاد می‌شود در جهت گسترش توأم با اثربخشی فعالیت‌های غیرزراعی در راستی درآمدزایی و ماندگارسازی خانوارهای روستایی، افزایش مهارت‌های فنی و کارآفرینی مورد توجه قرار گرفته و آموزش‌های لازم در این رابطه ارائه گردند. در عین حال ضروری است مواردی چون: افزایش امکانات حمل و نقل عمومی، افزایش زیرساخت‌های خدماتی و ارائه حمایت‌های مالی کاملاً هدفمند و با نظارت دقیق مورد توجه قرار گیرد تا در موفقیت هر چه بیشتر این گونه فعالیت‌ها در راستای ارتقاء سطح زندگی و معیشت خانوارهای روستایی و نهایتاً ماندگارسازی آنها در سکونتگاه‌های روستایی مؤثر واقع گردد.

## منابع و مأخذ :

۱. بانک جهانی (۱۳۸۴): راهبرد توسعه روستایی؛ رویکرد نوین بانک جهانی، مؤسسه پژوهش‌های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، وزارت جهاد کشاورزی، چاپ اول، تهران.
۲. پاسبان فاطمه (۱۳۸۶): «بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال غیر زراعی در استان خراسان»، ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، مشهد.
۳. پیتیه، ژان (۱۳۶۹): مهاجرت روستائیان، ترجمه: محمد مومنی کاشی، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، چاپ اول، تهران.
۴. جهاد کشاورزی شهرستان سمیرم (۱۳۸۷): آمار سطح زیر کشت انواع محصولات کشاورزی در شهرستان، سمیرم.
۵. سلماس زاده، سیروس (۱۳۸۸): «روستا فضایی فراتر از محیطی برای فعالیتهای کشاورزی؛ وضعیت آبادی های ایران و موقعیت روستاهای سوئد»، نخستین همایش ملی توسعه پایدار روستایی، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
۶. طاهرخانی، مهدی (۱۳۷۹): صنعتی شدن روستاها، انتشارات وزارت جهاد سازندگی، چاپ اول، تهران.
۷. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۰): «تحلیلی بر عوامل مؤثر در مهاجرت‌های روستا شهری»، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۶۲، مشهد، صص ۶۸-۴۳.
۸. علوی زاده، امیرمحمد و مهدی کرمانی (زمستان ۱۳۹۰): «نقش آموزش در توسعه‌ی فعالیتهای غیر زراعی مورد مطالعه: مناطق روستایی شهرستان سمیرم»، فصلنامه برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره ۴، مردودشت، صص ۸۰-۶۹.
۹. قاسمی‌اردھائی، علی (بهار ۱۳۸۵): «علل مهاجرت روستاییان به شهرها در ایران با تحلیل پایان‌نامه‌های تحصیلی»، فصلنامه روستا و توسعه، سال نهم، شماره اول، تهران، صص ۳۵-۲۱.
۱۰. کاظمی پور شهلا (۱۳۸۷): روشهای مقدماتی تحلیل جمعیت، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ پنجم، تهران.
۱۱. کرمانی مهدی (۱۳۸۵): «صنعتی شدن و اثرات آن بر ویژگیهای اقتصادی اجتماعی روستاها»، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی روستایی، دانشگاه تهران.
۱۲. مهدوی دامغانی (۱۳۸۷): «بررسی پایداری اکولوژیکی نظام های کشاورزی در استان خراسان»، پایان نامه دکتری زراعت، دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۳. مرکز آمار ایران (۸۵-۷۵-۶۵-۵۵-۴۵): نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن روستاهای شهرستان سمیرم، تهران.
۱۴. توده روستا، مهرداد (۱۳۸۲): «ایجاد اشتغال در مناطق روستایی راهی بسوی توسعه روستایی و غلبه بر فقر»، نشریه جهاد، سال ۲۳، شماره ۲۵۷، تهران.
15. Dong, F., (1988): Rural Reform Nonfarm development and rural modernization in china, Economic development institute of the world bank
16. Nong z. & Xubei luo, (2006): Nonfarm Activity and Rural Income Inequality; A Case study of two provinces in china, Word Bank
17. Peter Lanjouw & G. Feder, (2001): Rural Nonfarm Activities and rural development from experience towards strategy, World Bank
18. Word Bank, . (1999): Accelerating chinas rural transformation
19. World Bank, (2003): Impact of Non-Farm Income on inequality and poverty: the Case of rural china
20. Rao, s (1994): "Position, problems and prespects of rural Non-farm sector (RNFS) , Rple of NABARD recent policy initiatives", NABARD, Development policy Department, Bambay.